



بررسی و مطالعه نگاره اسب و سوارکاران بر روی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

سارا صادقی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

sara_sadeghi809@yahoo.com

حمیدرضا قربانی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

ghorbani.hr@birjand.ac.ir

حسن هاشمی زرج‌آباد

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

hhashemi@Birjand.ac.ir

چکیده

نقش اسب در فرهنگ مردم دوران باستان با قربانی کردن آن برای خدایان آغاز شد. با اهلی شدن این حیوان منبع قدرت عظیمی برای کار و حمل و نقل پیدا شد که تاکنون جریان دارد. حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه‌های گوناگونی متجلی است. اسب به عنوان یکی از مهم‌ترین جانوران در زندگی بشر، جایگاهی برجسته در اساطیر جهان یافته است. نقش عمده اسب در زندگی ایرانیان از نقوش سفالینه‌ها و وسایلی که با الهام از آن ساخته می‌شد یکی از پر نقش‌ترین حیوانات اهلی در دنیای اساطیر ایران باستان به شمار می‌آید. با بررسی کشفیات باستان‌شناسی این نقش‌مایه، به استمرار این نگاره حیوانی و بن‌مایه فکری‌ای که موجب تداوم به‌کارگیری این نقوش بوده‌اند، می‌توان پی برد. در میان مدارک باستان‌شناسی، سنگ‌نگاره‌های به‌دست آمده در استان خراسان جنوبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، چرا که نقوش حک‌شده بر روی آن‌ها تا حدی جلوه‌های از هنر و عادات و معتقدات یک قوم را نشان می‌دهد. آن‌چه به عنوان هدف پژوهش در این مقاله دنبال می‌شود، بررسی و مطالعه نگاره اسب بر روی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی است. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. حاصل این پژوهش، بازنمایی و نمادشناسی نگاره اسب در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی است که نشانگر این است که نقش‌مایه‌های موجود بر روی داده‌های فرهنگی به علل تأثیرپذیری از باورهای مذهبی و تحولات اقتصادی، کشاورزی و اجتماعی در ادوار گوناگون تحول و تکامل یافته است و ریشه قوی حماسی و اسطوره‌ای را در خود نهفته است.

کلید واژه‌ها: اسب، سوارکاری، سنگ‌نگاره، استان خراسان جنوبی.



Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





مقدمه

اسب در اندیشه ایرانیان ویژگی اهورایی داشته و در اسطوره‌ها به‌عنوان موجودی است که به منزله کمال بخشی به الهگان و قهرمانان اسطوره‌ای آفریده شده است (شریفی و زرغام، ۱۳۹۲: ۴۲). نقش عمده اسب در زندگی ایرانیان از نقوش سفالینه‌ها و وسایلی که با الهام از آن ساخته می‌شد هویدا است. در گذشته اشیاء مربوط بدان را و حتی گاهی خود حیوان را با مردگان دفن می‌کردند. در دوران کاسیان و آشوریان، نبردهای پی‌درپی برای دستیابی به مراتع و رمه‌های اسبان صورت می‌گرفت که حتی در مواردی به تغییر ملتی می‌انجامید. نقش اسب در اختراعات مهمی مانند چرخ و گردونه در گذشته دور آشکار است و لذا با بکارگیری این وسایل مهاجرت‌ها صورت گرفت و خیل عظیمی از انسان‌ها از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر نقل مکان می‌کردند (مجیدی‌خامنه، ۱۳۸۷). حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه‌های گوناگونی متجلی است، آن‌گونه که در بیشتر کتیبه‌ها، سنگ‌نبشته‌ها و الواح سیمین و زرین دوره هخامنشی، نیز گواه اهمیت و توجه خاص به این حیوان زیبای اساطیری است (صالح‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۹). در این میان سنگ‌نبشته‌ها در طول تاریخ ایران، ویژگی‌های مشترکی دیده می‌شود؛ از جمله هدف اکثر این نقوش به‌تصویر کشیدن اعتقادات و باورهای مذهبی مردمان پیش از ما بوده است. در این پژوهش به بررسی و مطالعه نگاره اسب و سوارکاران بر روی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته شده است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است و گردآوری مطالب کتابخانه‌ای همراه با مشاهدات میدانی می‌باشد. در روش میدانی نگاره‌های موجود بر روی سنگ‌ها و صخره‌های استان خراسان جنوبی مستندنگاری شد و در روش مطالعات کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل نگاره اسب با دیگر نقوش یافت‌شده این نگاره در دیگر داده‌های فرهنگی بدست‌آمده در ایران پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص مطالعات قبلی در این حوزه باید ذکر کرد؛ مقالاتی در زمینه جایگاه اسب در هنر ایران ارائه شده است. در سال ۱۳۹۲ شریفی و زرغام در مقاله‌ای به بررسی سیر تحول اسب از دوره ماد تا دوره هخامنشی پرداخته‌اند (شریفی و زرغام، ۱۳۹۲). صالح‌پور در سال ۱۳۸۶ در مقاله‌ای به بررسی اسب در فرهنگ ایرانی پرداخته است (صالح‌پور، ۱۳۸۶). آقا و خانم سجادی‌راد در مقاله‌ای با عنوان بررسی اهمیت اسب در اساطیر ایران و سایر ملل و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی، بیشتر از دید اسطوره‌شناسی به نقش اسب پرداخته‌اند (سجادی‌راد، ص و سجادی‌راد، ک، ۱۳۹۲). مجیدی‌خامنه در مقاله‌ی کوتاهی به بررسی نقش اسب در فرهنگ ایران باستان پرداخته است (مجیدی‌خامنه، ۱۳۸۷). طالب‌پور و پرهام در مقاله‌ی جایگاه اسب در هنر ایران باستان بیشتر به آرایش زین و برگ اسب و اهمیت اسطوره‌ای آن در هنر ایران باستان پرداخته و اشاره‌ای کلی به ویژگی‌های بارز اسب‌های هر دوره کرده است (طالب‌پور و پرهام، ۱۳۸۸). در موارد مذکور غالباً به بررسی‌های نقوش اسب بر روی سفال‌ها و دیگر داده‌های فرهنگی پرداخته شده است و تاکنون پژوهش خاصی در زمینه نگاره اسب بر روی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی و طبقه‌بندی آن صورت نگرفته است. قابل ذکر است که در پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در حوزه سنگ‌نگاره‌ها، پژوهشگران بیشتر به بررسی و معرفی این نگاره پرداخته‌اند و از نظر تحلیل این نگاره تاکنون پژوهش خاصی صورت نگرفته است.



درآمدی بر نقوش حیوانی

شاید به توان گفت پیکره‌های جانوری یکی از قدیم‌ترین نقوشی است که انسان در آثار خود ترسیم نموده است. این نقش‌مایه‌ها در ایران (همانند دیگر نقوش)، صرفاً جنبه تزیینی نداشته‌اند بلکه گاهی بیان‌گر امید، ترس یا توسل به نیرویی برای مبارزه با خطرهای طبیعت و حیات بودند و گاهی بیانگر اعتقادات مذهبی و افسانه‌ها. همین ارزش‌ها و بیان‌های مخصوص، گاهی نقوش را تبدیل به نوعی علائم قراردادی و نمادین کرده بود که در طی تاریخ از آن‌ها به‌عنوان انتقال پیام استفاده می‌کردند (خزایی و سماواکی، ۱۳۸۱: ۸). این نقوش از جمله نقش‌هایی است که به‌طور مسلط و مکرر در بسیاری از تمدن‌های باستانی از جمله ایران مشاهده شده است. شمار زیاد داده‌های فرهنگی بدست‌آمده از محوطه‌های باستانی خصوصاً (سنگ‌نگاره‌ها و هنر صخره‌ایی) که حاوی نقوش جانوری است در طول قرن‌های متمادی، گویای اهمیت این نقش‌مایه در میان ساکنین این حوزه فرهنگی بوده که ارتباطی مستقیم با پوشش گیاهی، حوزه اقلیمی و باورهای اعتقادی مردمان دارد. برای این منظور به بررسی و تحلیل نقش اسب در سنگ‌نگاره‌های^۱ استان خراسان جنوبی^۲، که از دوران پیش از تاریخی تا دروان تاریخی و اسلامی به طور مستمر در تمامی داده‌های فرهنگی ایران تکرار شده است پرداخته شده است.

نماد اسب

واژه‌ی اسب از دیرباز تاکنون تغییر چندانی نداشته‌است. در اوستا این کلمه اسبه (aspa) و در سانسکریت اسوه (asva) و در پارسی باستان آسه (asa) خوانده می‌شد. گروهی از پژوهندگان، واژه‌ی اسب را از ریشه‌ی اک ak یا اس as می‌دانند که به معنی تندرستن است. از این ریشه، کلمه‌ی آهو و شکل کهن‌تر آن آسوک asuk، مشتق شده است. هم‌چنین به مادیان یعنی گونه‌ی مونث؛ اسب aspa یا اسپه aspi گفته شده است (بهمنی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). اسب همان حیوان چهارپاست که به هوش‌مندی و فراست معروف است. از روزگار کهن در اساطیر ملل مورد توجه بوده و همواره به نگهبانی و تیمار این حیوان سودمند که به صفات تند و تیز و چالاک و دلیر و پهلوان موصوف است، اهتمام داشته‌اند. روان‌کاوان اسب را نماد روان ناخودآگاه و غیربشری می‌دانند. باورهای قومی و اساطیری فراوانی درباره‌ی در میان ملل رایج است و سبب شده تا معانی سمبولیک فراوان از قبیل: آزادی، اندام زیبا، انرژی خورشید، بخشندگی، پایداری، حس شنوایی، خیرخواهی، دانش زمانی، سپاس‌گزاری، پیروزی، قدردانی، سرعت، فهمیدگی و فراست، نیرومندی، هوش، خیره‌سری، سرسختی و غرور در هنر و اندیشه ادبی و فرهنگی تبلور یابد (سجادی‌راد، ص

^۱ - به زبان ساده؛ به هر تصویر و نگارشی بر روی سنگ، سنگ‌نگاره یا هنر صخره‌ای می‌گویند. اگر این نوشته‌ها یا نقاشی‌ها، بر روی سنگ با رنگ یا امثال آن باشد به آن‌ها (پیکتوگراف؛ Pictographs) و اگر نقوش یا نوشته‌ها از طریق کنده‌کاری‌ها (حک یا حجاری مثبت یا منفی) بر روی سنگ‌ها انجام شده باشد به آن‌ها (پتروگلیف؛ Petroglyphs) می‌گویند.

^۲ - استان خراسان جنوبی با وسعتی معادل ۹۵۳۸۸ کیلومتر مربع، بین مدار جغرافیایی ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۷ درجه و ۳ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان جنوبی از شمال به خراسان رضوی و از شرق به طول حدود ۳۳۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و از غرب به استان یزد و از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان محدود می‌باشد. از لحاظ وضعیت ارتفاعات، ارتفاعات خراسان - جنوبی امتداد شمالی - جنوبی دارند. بلندترین نقطه استان قله شاسکوه در ۲۸۵۴ متری و پست‌ترین نقطه استان در شهرستان سربیشه با ارتفاع ۵۷۶ متر از سطح دریا واقع شده است. جمعیت این استان بر حسب ساکن و غیر ساکن در آبان ماه سال ۱۳۹۰، ۶۶۲۵۳۴ نفر بوده است و مساحت کل استان در آخرین سرشماری ۹۵۳۸۸۰۰ است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۲ و ۴۳ و ۸۴)

Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



و سجادی‌راد، ک، ۱۳۹۲: ۱۰۵). اسب از روزگاران قدیم به خورشید پیشکش می‌شده است (صالح‌پور، ۱۳۸۶: ۸). اهلی کردن حیوانات از حدود هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد آغاز شد. پرورش این حیوان در ابتدا برای قربانی کردن در پیشگاه خدایان بود (مجیدی‌خامنه، ۱۳۸۷). اسب در هنر باستانی ایران در دوره‌ی هخامنشی همراه با سوار ترسیم می‌شود. در این دوران قربانی اسب رایج بود (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۶۹). اسب یکی از نمادهای است که در آثار هنری همواره به تنهایی یا همراه با سوارش در کنار درخت دیده می‌شود. "این نماد به دلیل ارتباط آن با حیات گیاهی، باران‌آوری و الهه مادر قابل توجه است" (کاظم‌پور، ۱۳۸۹: ۶۳). ایرانیان باستان همان‌گونه که برای خورشید و خانواده خود از اهورامزدا نیکی طلب می‌کردند برای اسب خود نیز نیرومندی می‌خواستند. در "اوستا" از اسب به‌عنوان برگزیده‌ترین حیوانات نام برده شده و حتی برای معالجه و خوب نگهداری از آن نیز دستوراتی آمده است و این نشانه‌ای از پاکی، اصالت و اهمیتی است که در فرهنگ ایرانی برای این حیوان قائل بودند. اهمیت اسب در اساطیر ایران تا به‌آن اندازه است که هر ایزد دارای گردونه‌های زرین و اسب‌های تیزتک بودند. هم‌چنین در "یشت‌ها" نیز به قربانی کردن اسب این‌گونه اشاره شده است: "از برای ناهید، هوشنگ پیشدادی، در بالای کوه کوه‌ها (البرز) صد اسب، و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند فدا کرد و از او درخواست که در همه کشورهای بزرگترین پادشاه گردد" (سمسار، ۱۳۴۳: ۳۹). آریایی‌ها به داشتن اسب مشهور، و پهلوانان پارتی، اسب‌سوارانی خیره بوده‌اند. "هند و اروپاییان، نخستین قومی بودن که اسب را اهلی کردند و توسط ایرانیان نیز این جانور به سرزمین بابل و مصر راه یافت. مرکز پرورش اصلی اسب، کوه‌های تیانشان در ترکستان شرقی بود و اسب گردونه نیز از آن‌جا به چین راه یافت. اسب عربی که به خوبی معروف است به نظر برخی همان اسب ایرانی است. در کتاب مقدس نیز آمده است که اسبی آتشین و اراهای آتشین، "ایلیا" را به آسمان بردند. تهمورث هم زمین را بر پشت اهریمن که به صورت اسبی درآمد بود، درهم‌نوردید (دادور و مبینی، ۱۳۸۸: ۵۴). در شیوه زندگی آریاییان که مردمی نیمه‌صحراگرد و دامدار بودن، اسب جایگاه ویژه‌ای داشته، آن‌ها اسب را اهلی کرده و با شخم، شاورزی و دامداری آشنایی داشتند، خانواده و مایملک خود را در اراهای چهارچرخه سرپوشیده‌ای قرار می‌دادند که بعضاً گاهی با اسب کشیده می‌شد و همیشه آماده جنگ و گریز بودند. اینان در جشن‌های خود به ویژه در جشن‌هایی که در زندگی کشاورزان و دامداران اهمیت داشت و همین‌طور در موقع بیماری‌ها و آفات طبیعی، نشخوارکنندگان و حتی اسب را که بسیار عزیز می‌شمردند، قربانی می‌کردند. این موضوع در "ودا" ذکر شده است و در اوستا نیز به قربانی‌ها اشاره شده است که یادآور آریاییان در ایرانویج است (تاج‌بخش، ۱۳۷۲: ۸۶-۱۰۶). در اواخر هزاره سوم تا هزاره اول ق.م یافتن مقادیر متناهی از ابزارآلات مربوط به اسب از جمله زین و یراق اسب، لگام، نشانه‌های مشابه سر اسب در مقابر لرستان حاکی از اهمیت اسب در زندگی مردم این منطقه است (دیاکونف، ۱۳۵۷: ۱۷۰-۱۷۱). اسب نه تنها به‌عنوان مرکب جنگجویان و قهرمانان بود، نمادی از شجاعت، قدرت و سرعت نیز است (هال، ۱۳۹۰: ۲۴). با این تفاسیر اسب را که نمادی از نجابت، زیبایی و شجاعت بوده است، یکی از پرنفش‌ترین حیوانات در ایران باستان به شمار می‌آید.

یافته‌های پژوهش

در منطقه جغرافیایی این پژوهش، یعنی استان خراسان جنوبی، مجموعاً ۲۸ نقش اسب در ۱۰ محوطه از سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی یافت شده است. در این استان نقوش بسیاری از اسب و سوارکاران نقر شده است. در مجموع نقوش ۳ نقش در ۳ محوطه تنگل اُستاد، چاه چشمه و نخلستان بدون سواره است. نقوش در مجموع همراه با سوارکاران در مراسم مختلفی (نبرد،





سوارکوبی، مسابقه و غیره) را شامل می‌شود. نقوش یافت‌شده به ۴ دسته تقسیم می‌شود: ۱. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در حال نبرد، ۲. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی)، ۳. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری، ۴. نقش اسب بدون سواره.








این نقش‌ها از مستندات مهم باستان‌شناسی است و اطلاعات فراوانی در خود دارد؛ به‌طوری که بخش مهمی از آگاهی‌های ما درباره تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر از ایران باستان از همین نگاره‌های حک شده بر روی سنگ‌ها (اعم از سنگ‌نبشته‌ها، نقاشی‌ها و حکاکی‌ها) است. در ادامه پژوهش به بررسی و مطالعه نگاره اسب بر روس سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته شده است.

۱. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در حال نبرد

یکی از موضوعاتی که مربوط به نگاره اسب است نقش این حیوان، همراه با نقوش انسانی است که در حال نبرد است. در استان خراسان جنوبی در مجموع دو نقش در میان انبوهی از نگاره‌های انسانی، حیوانی، نمادین و غیره کشف شد. در محوطه کوه گرد کوچک، یکی از نقش‌ها نبرد انسانی سوار بر اسب است که سواره به عقب برگشته و در حال تیراندازی است نوع سلاح او مشخص نیست اما به قطع می‌توان گفت که صحنه نبرد است. همانطور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های سواران اشکانی مهارتی بود که در تیراندختن داشتند، به طوری که حتی در حالت تاخت از روی زین به عقب برمی‌گشتند و به سوی دشمن تیراندازی می‌کردند. با آن‌که این رسم قیقاج‌زدن از قدیم میان سکاییان رایج بود (چنانکه از نقوش آنان بر روی سفال‌های یونانی برمی‌آید. این حالت تیراندازی در نقوش صخره‌ای غارکرفتو، در پناهگاه مرتاش و بر روی اشیاء سیمین و زرینی از دوره‌های اشکانی و ساسانی به دست آمده، مشاهده شده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۸۰). یکی دیگر از نگاره‌ها در رامنگان ۱ است که نقوش انسانی در حال تیراندازی به سمت بزکوهی است اما نقش به علت آسیب‌های طبیعی و گذشت زمان آسیب دیده است. سومین نقش از صحنه نبرد نقش اسب همراه با نقش انسانی در استان خراسان جنوبی در محوطه لاخ چمنزار است. در این صحنه نگاره مورد نظر در حال گریز است و نقوش حیوانی در حال تعقیب او هستند. نقش اسب همراه با نقوش انسانی که در حال نبرد است قابل قیاس با نقوش سنگ‌نگاره مرزبانیک (۳۴۲: ۲۰۱۳،, moradi & ...), سنگ‌نگاره ارگس (بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۳) و سنگ‌نگاره ازندریان ملایر (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴۱) است. تمامی نقوش مورد نظر از نظر موضوعی یعنی، نقش سوار بر اسب و در حال نبرد و رزم با دیگر نقوش اعم از نقوش حیوانی و انسانی هستند، اما از نظر جزییات تمام نگاره‌ها همراه با ابزارآلات (نیزه، کمان، گرز و غیره) است اما در محوطه‌های استان خراسان جنوبی نوع سلاح مشخص نیست (جدول ۱).

Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

جدول ۱. بررسی نقش اسب همراه با نقوش انسانی در حال نبرد در استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران.

بررسی نقش اسب همراه با نقوش انسانی در حال نبرد در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با سنگ‌نگاره‌های ایران		
 <p>سنگ‌نگاره لاج چمنزار (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۶۵)</p>	 <p>سنگ‌نگاره رامندگان ۱ (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).</p>	 <p>سنگ‌نگاره کوه گرد کوچک (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۷۶)</p>
 <p>سنگ‌نگاره مرزیانیک (moradi&, 2013: 342)</p>	 <p>نقوش پناهگاه مرتاش (مأخذ: قسیم، ۱۳۸۶: ۷۶)</p>	
 <p>سنگ‌نگاره ازندریان ملایر (مأخذ: محمدی‌قر و هم‌تای ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).</p>	 <p>سنگ‌نگاره ارگس (بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۳)</p>	

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴).

۲. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی)

از زیباترین و برجسته‌ترین صحنه‌های متعلق به نگاره اسب در استان خراسان جنوبی مربوط به نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی) است. کنده‌نگاره‌های نمایشی یکی از مهم‌ترین نقوش و داده فرهنگی در بیان و نحوه پیشینه بازی‌های نمایشی و صحنه‌های مسابقه و بازی‌های نمادین در ایران است. در بازی‌های بومی شمال خراسان، به ویژه در میان مردم قوچان، اسب‌سواری برای آموزش کودکان و ایجاد چالاکی، شادابی و ایجاد آمادگی هنگام نبرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جابانی، ۱۳۸۰: ۵۱-۵۵). از زمانی که اسب توسط انسان رام شد، از آن برای سواری، بارکشی و مسابقه استفاده می‌شود. اسب از چهارپایان مورد علاقه ایرانیان از زمان‌های دور بوده است. از دیگر نقوش حیوانی مورد



بررسی در این صحنه، نقش اسب و اسب‌سوار است. سنت نمایش مردان اسب‌سوار حتی تا زمان‌ها اخیر نیز ادامه یافته است و می‌توان چنین عناصری را در نقوش سنگ قبرهای اواخر سده نوزدهم در بیستون و در هنر عشایری سده اخیر نیز مشاهده کرد (بیگری و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۲). یکی از این نقوش صحنه نمایش و مسابقه در سنگ‌نگاره آسو است. مجموعه‌ای از نقوش سوارکاری (جهت تمام حیوانات به سمت راست است و در تمام نقوش دست راست فرد سواره بر گردن اسب گذاشته شده است (شاید تداعی‌کننده نوعی صحنه مسابقه باشد (صحنه ۱: جدول ۲). در همان نقش فرد سواره‌ای که افسار اسب را گرفته یا زین اسب را گرفته است یا در یکی از دست‌هایش چوبدستی یا شلاق را برای رام اسب در دست دارد. درباره مسابقات اسب‌دوانی پژوهش‌های جدیدی صورت گرفته است که نشان می‌دهد که شور و شیفستگی مردمی مسابقات اسب‌دوانی را نه جاذبه‌ی بُرد و باخت آن تعیین می‌کند، که احتمال آن بیش از حد ضعیف و اتفاقی است، و نه جاذبه حیوان و تمایل خاص به آن. زیرا از نظر اکثر شرکت‌کنندگان در مسابقات اسب‌دوانی، اسب چیزی جز «یک وسیله‌ی فرعی مسابقه‌ی اسب‌دوانی نیست که یا در زیر پای سوارکار و یا در جلوی ارابه قرار گرفته» و مسابقه نیز چیزی جز «پرانتری بین شرطبندی‌ها» نمی‌باشد. قوه محرکه این شور و شیفستگی، فقط لذت بازی و ذوقی است که نسبت به آن وجود دارد. طعم نوعی بازی و ذوق نسبت به آن که مشابه رسمی از فراغت در زمینه‌ی تاریخی بسیار خاص، بوده و در آن تحلیل رفته است، یعنی زمینه‌ی تاریخی واژگونی‌های جمعیتی و جامعه-شناختی که به اصطلاح هانری ماندراس^۲ نشانگر «فرجام دهقان» در فرانسه‌ی سال‌های ۱۹۵۰ است. «شروع مسابقات اسب‌سواری در سال ۱۹۵۴ با آغاز این حرکت‌ها تلاقی می‌کند و گسترش آن با این حرکت‌ها همراه می‌شود». چون این توضیح با عقل صائب مطابقت ندارد بنابراین برای مسئله‌ی مورد نظر ما نیز کفایت نمی‌کند. این توضیح شیفستگی و شوری را که غیرحرفه‌ای‌های مسابقات اسب‌ها و یا مسابقات شترهای کشورهای مسلمان را به حرکت درمی‌آورد دربر نمی‌گیرد. این‌ها همان کشورهای هستند که شرطبندی در آن‌ها ممنوع و حرام است (پیردیگار، ۱۳۸۵: ۳۲۷-۳۲۸). یکی دیگر از صحنه‌های مربوط به نگاره‌های نمایشی متعلق به سوارکاری است. از نمونه‌های سوارکاری در استان خراسان جنوبی به وفور دیده شده است، این نقوش را می‌توان در سنگ‌نگاره‌های خزان، کوه گردکوک و کالِ حُسینا و لاخِ دُلْدُل مشاهده کرد (صحنه ۲: جدول ۲). یکی از جالب‌ترین نقوش نمایشی را می‌توان نقش سوارکوبی دانست. این نقش در محوطه‌های کالِ حُسینا و آسو یافت شده است. چنین نقشی را می‌توان در جشن‌ها و نمایش‌های اسب‌دوانی در شمال و غرب ایران دید که به‌صورت یک پا روی اسب خود ایستاده است و سوار دیگر دهنه اسب را گرفته است که چنین نقشی در سنگ‌نگاره‌های آسو کالِ حُسینا (آسو و کالِ حُسینا) یافت شده است. در محوطه آسو و کالِ حُسینا در صحنه ۳: الف یکی از نگاره‌های انسانی به علت گذشت زمان از بین رفته و تنها یکی از نگاره‌های انسانی سوار بر اسب باقی‌مانده است. این نقش قابل مقایسه است با نگاره جُربت که در شمال خراسان واقع شده است (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸)، اما در نگاره دیگر از این صحنه نگاره‌های انسانی و اسب تماماً سالم باقی مانده‌اند (صحنه ۳ ب: جدول ۲) و در نقوش سرخه لیزه ۴ (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰) این نقش را می‌توان مشاهده کرد (صحنه ۳ ب: جدول ۲).

^۲ - Henri MendrasSponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

جدول ۲. بررسی نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سواری و سوارکوبی).

بررسی نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سواری و سوارکوبی)	
 <p>سنگناره آسو (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).</p>	صحنه ۱. صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام مسابقه
 <p>سنگناره خزان (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). سنگناره کوه گرد کوچک (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).</p>	صحنه ۲. صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام سواری
 <p>سنگناره لاج دهل (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲).</p>	
 <p>سنگناره کال خینا (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲).</p>	صحنه ۳. صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، الف.
 <p>سنگناره آسو (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). سنگناره کال خینا (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).</p>	
 <p>سنگناره جربت (مأخذ: رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸).</p>	صحنه ۳. صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، ب.
 <p>سنگناره آسو (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).</p>	
 <p>سنگناره سرخه لیزه ۴ (مأخذ: شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰).</p>	

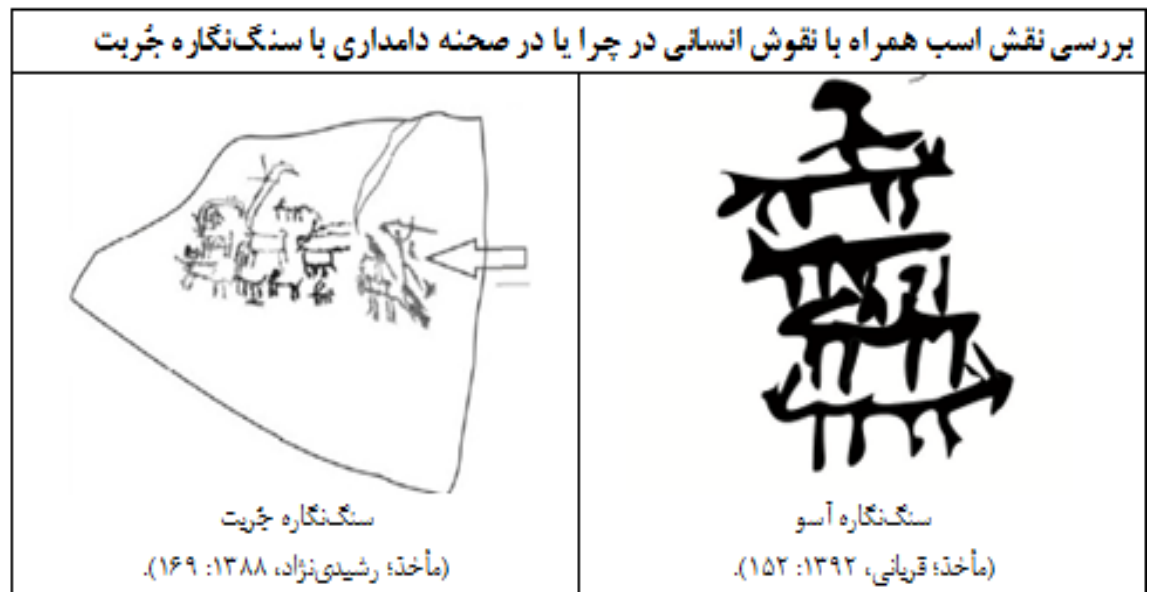
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴).

۳. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری

منطقه استان خراسان جنوبی در گذشته‌های دور به دلیل دارا بودن قابلیت‌های فراوان بویژه وجود گله‌های قوچ و میش مطرح بوده است. این منطقه به علت داشتن مراتع زیبا و تپه‌ماهورهای متعدد می‌تواند مأمّن مناسبی برای پرورش قوچ و میش وحشی در استان خراسان جنوبی باشد. توپوگرافی منطقه عمدتاً کوهستانی و صخره‌ای و در بعضی نقاط تپه‌ماهوری می‌باشد. منطقه در

ناحیه خشک و نیمه خشک قرار دارد و تقریباً تمامی پدیده‌های طبیعی مثل کوه، تپه، چشمه، رودخانه و قنات‌های مختلف در آن به چشم می‌خورد و منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک بوده و در نواحی کوهستانی به علت ریزش باران و برف از آب و هوای معتدل تری برخوردار است (گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی، ۱۳۸۹). در واقع می‌توان گفت که تنوع جانوری و ویژگی‌های این محدوده مکان و مامن مناسبی را برای ساکنین آن‌جا فراهم آورده است که این مهم را می‌توان بر روی نگاره‌های این استان به وضوح دید. در جدول ۳ نگاره انسانی سوار بر مرکب که جهت آن به سمت راست است و چند نقش حیوانی دیگر در زیر فرد سواره حک شده است که مربوط به صحنه چراگاه است (جدول ۳). شاید بتوان بین چنین نقشی با نقش موجود در کنده‌نگاره‌های جُربت از لحاظ تنوع نقوش ارتباط برقرار کرد که مربوط به صحنه دامداری است (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

جدول ۳. نقش اسب همراه با نقوش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری با سنگ‌نگاره جُربت.



(مأخذ؛ نگارندگان، ۱۳۹۴).

۴. نقش اسب بدون سواره

در مجموع نقوش تنها ۳ نقش در میان نگاره‌های استان خراسان جنوبی بدون اسب نقر شده‌اند. این نقوش در ۳ محوطه تنگل آستاد، چاه چشمه و نخلستان است. چنین نقشی قابل مقایسه با نگاره‌های غار کرفتو (مأخذ؛ قسیم، ۱۳۹۲: ۶)، نقاشی اسب در غار لاسکو (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۲۰۵) و سنگ‌نگاره هورامان (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۳) است (جدول ۴).

جدول ۴. نقش اسب بدون سواره در استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران و جهان.

بررسی نقش اسب بدون سواره در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران و جهان		
 <p>سنگ‌نگاره چاه چشمه (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۲۱۰).</p>	 <p>سنگ‌نگاره تنگل آستد (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).</p>	 <p>سنگ‌نگاره نخلستان (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).</p>
 <p>سنگ‌نگاره هورامان (مأخذ: لحاقیان، ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰: ۸۳).</p>	 <p>نقاشی اسب در غار لاسکو (مأخذ: رفیع قره، ۱۳۸۱: ۲۰۵).</p>	 <p>سنگ‌نگاره غار کرقتو (مأخذ: قسیم، ۱۳۹۲: ۶).</p>

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴).

ارتباط نقش‌مایه اسب با باورها و عقاید مردمان

مطالعه و پژوهش نقش‌مایه اسب حاکی از ارتباط آنها با مراسم آئینی می باشد. اغلب نقوشی که حاوی نگاره اسب هستند، در سفالینه‌ها، گورستان‌ها یا مکان‌های مقدس کشف شده‌اند. اکثر نگاره‌های متعلق به اسب همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، عموماً در ارتباط با مسائل روزمره و زیست انسان‌ها بوده‌اند. در خراسان اسب نیز مورد توجه خاص مردمان بوده است. نقش اسب در نمایش اسب چوبی حاکی از حضور قوی این حیوان در گذشته تاکنون داشته است.

نمایش اسب چوبی معمولاً در مراسم عروسی اجرا می‌شود و بدین صورت است که عروس سوار بر اسب در یک سو و داماد نیز سوار بر اسبی دیگر در مقابل هم قرار می‌گیرند و سببی را به سوی یکدیگر پرتاب می‌کنند. سبب به هر سو که برود، اسب چوبی و رقصندگان نیز به آن سمت حرکت می‌کنند. در این نمایش، معمولاً اسب سفید نماینده خانواده عروس و اسب قرمز نماینده خانواده داماد است. در نمایش نمادین و طنزگونه نزاعی میان دو خانواده عروس و داماد درمی‌گیرد که در نهایت سواران در داخل اسب به نبرد می‌پردازند (صالح‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۶۰). با این تفاسیر می‌توان گفت نقش اسب در فرهنگ مردمان استان خراسان آن‌چنان پررنگ بوده است که در سنگ‌نگاره‌های این استان نیز نمود پیدا کرده است.

حاصل سخن

نقش جانوران از علائق هنر ایرانی است که با توجه به اعتقادات، اسطوره‌ها و آیین‌ها در سفال‌گری، فلزکاری و دست‌بافته‌ها و سنگ‌نبشته دیده می‌شود. در میان نقوش جانوران، نقش اسب بعد از نگاره بزکوهی از فراوانی بسیاری از دوارن پیش از تاریخ تاکنون برخوردار است. اسب به عنوان یکی از مهم‌ترین جانوران در زندگی بشر، جایگاهی برجسته در میان هنر و فرهنگ ایران



یافته است. به نظر می‌رسد این نگاره ریشه در اسطوره‌ها و اعتقادات دوران باستان در مورد این حیوان دارد. در استان خراسان جنوبی ۲۸ نقش از نگاره اسب در ۱۰ محوطه بر روی سنگ‌نگاره‌ها نقر شده است. این نقوش به ۴ دسته تقسیم‌بندی شده است که در صحنه‌های که دربرگیرنده (رزم‌گاه یا نبرد، نمایشی (سوارکاری، سوارکوبی، مسابقه)، در صحنه‌های چرا یا دامداری) و صحنه‌هایی که اسب بدون سواره نقر شده است. نکته جالب در تمامی نگاره‌های اسب حضور مستمر انسان در این صحنه‌ها است. شاید علت آن این است که اسب، حس آزادی، پایداری، سپاس‌گزاری، پیروزی، قدردانی، سرعت، فهمیدگی و فراست و غرور برای صاحبش که همان انسان سواره است به همراه می‌آورد. پرورش این حیوان در ابتدا برای قربانی کردن در پیشگاه خدایان بود در بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع باستان نشان می‌دهد که این اقتصاد بر اساس کشاورزی، دامداری و مبتنی بر اقتصاد معیشتی بوده است که در آن اسب نقش مهمی ایفا می‌کرد. نقش اسب در سنگ‌نگاره‌ها در بسیار مواقع معنای نمادین داشته‌اند و نقشی صرفاً از روی تفنن محسوب نمی‌شوند. بنابراین ردپای بسیاری از این نقوش و معنای نمادین آن‌ها را می‌توان بر روی سنگ‌نگاره‌ها و صخره‌های جهان مشاهده کرد.



Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، افسانه. (۱۳۹۱). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. بیرجند: انتشارات استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
۲. بهمنی، پردیس. (۱۳۸۳). *سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*. گروه هنر دانشکده هنر و رساله: دانشگاه پیام نور.
۳. بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ و بیک‌محمدی، نسرين. (۱۳۹۱). "معرفی و تحلیل نقوش سنگ نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر- همدان)". *نامه‌ی باستان‌شناسی*، دوره دوم، ش ۲، صص ۱۲۱-۱۴۰.
۴. بیگلی، فریدون؛ مرادی‌بیستونی، علیرضا؛ و جمشیدی، فریدون (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش غار چشمه سهراب کرمانشاه. *مجله باستان پژوهی*"، دوره جدید، سال دوم، ش ۳، صص ۵۰-۵۵.
۵. پیردیگار، ژان. (۱۳۸۵). *مردم‌شناسی انسان و حیوانات اهلی*، ترجمه‌ی اصغر کریمی. تهران: نشر افکار.
۶. تاج‌بخش، حسن. (۱۳۷۲). *تاریخ دامپزشکی و پزشکی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جابانی، محمد. (۱۳۸۰). "ورزش و بازی‌های محلی قوچان". *کتاب ماه هنر*، ویژه‌ هنر عامه، ش ۳۹، صص ۵۱-۵۵.
۸. خزایی، محمد، سماواکی، شیلا. (۱۳۸۱). "بررسی نقش پرنده بر روی ظروف سفالی ایران". *فصلنامه هنرهای تجسمی*، ش ۱۸، صص ۶-۱۱.
۹. دادور، ابوالقاسم، مبینی، مهتاب. (۱۳۸۸). *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
۱۰. دادور، ابوالقاسم، منصور، الهام. (۱۳۸۵). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. تهران: انتشارات کلهر و دانشگاه الزهرا.
۱۱. دیاکونف، ا.م. (۱۳۵۷). *تاریخ ماد*. ترجمه‌ی کریم کشاورز. تهران: پیام.
۱۲. رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول هنر*. تهران: برگ زیتون.
۱۳. سجادی‌راد، سیده صدیقه، سجادی‌راد، سید کریم. (۱۳۹۲). "بررسی اهمیت اسب در اساطیر ایران و سایر ملل و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی". *نشریه پژوهشنامه ادب حماسی*، سال نهم، ش ۱۶، صص ۹۹-۱۲۸.
۱۴. سمسار، محمدحسن. (۱۳۴۳). "اهمیت اسب و تزئینات آن در ایران باستان". *مجله هنر و مردم*، ش ۲۰، صص ۳۲-۴۲.
۱۵. شریفی، لیل، ضرغام، ادهم. (۱۳۹۲). "سیر تحول تصویر اسب از دوره ماد تا دوره هخامنشی". *فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*، ش ۲۸، صص ۴۱-۵۷.
۱۶. شیدرنگ، سونیا. (۱۳۸۶). "نقوش صخره‌ای میوله؛ نویافته‌هایی در شمال کرمانشاه". *مجله باستان‌پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، ش ۳، صص ۵۵-۶۴.
۱۷. صالح‌پور، زینت. (۱۳۸۶). "اسب در فرهنگ ایرانی". *فصلنامه نجوای فرهنگ*، سال دوم، ش ۴، صص ۱۵۵-۱۶۲.
۱۸. طالب‌پور، فریده، پرهام، ماندانا. (۱۳۸۸). "جایگاه اسب در هنر ایران باستان". *نشریه جلوه هنر*، ش ۱، صص ۵-۱۲.





۱۹. قربانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان شناسی و انسان شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ نگاره‌های استان خراسان جنوبی). خراسان جنوبی: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
۲۰. قسیم، طاهر. (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش صخره‌ای اورامان". *مجله باستان پژوهی*، سال دوم، ش ۳، صص ۷۱-۸۰.
۲۱. قسیم، طاهر؛ قسیم، آکام؛ و قسیم، سوران. (۱۳۹۲). "بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای غار کرفتو، شمال کردستان". *سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره بین‌المللی تخصصی علوم زمین، بهمن ماه*.
۲۲. کاظم‌پور، زیبا، (۱۳۸۹). *بررسی درخت زندگی در هنر ایران و نمود آن بر فرش‌های ایرانی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش هنر*. دانشگاه هنر اصفهان.
۲۳. "گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی". (۱۳۸۹). اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی.
۲۴. لحافیان، جمال. (۱۳۸۹-۱۳۸۰). "فنجان‌نماها در هنر صخره‌ای کردستان". *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم و سوم، ش ۴ و ۵، صص ۷۹-۸۸.
۲۵. مجیدی‌خامنه، فریده. (۱۳۸۷). "نقش اسب در فرهنگ ایران باستان". *سایت مجله‌ی علمی ترویجی انسان‌شناسی و فرهنگ: www.Anthropology.ir*
۲۶. محمدی‌فر، یعقوب، همتی‌ازندریانی، اسماعیل. (۱۳۹۳). "معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر". *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۶۴، صص ۲۲۳-۲۵۲.
۲۷. هال، جیمز. (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه‌ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
۲۸. Moradi, H, Sarhaddi Dadian, H, Soltani, m, Rahman, N, Chang, B. (۲۰۱۳). Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran. *Time And Mind: The Journal of Archaeology, Consiousness And Culture*. v. ۶, pp. ۳۳۱-۳۵۰.

Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science